

A Comparative Analysis of the Semantic Constructs of "Providing Assistance" and Its Social Implications in the Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*)

Rahman Ashryeh

Associate Professor, Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran.
oshryeh@quran.ac.ir

Abstract

The purpose of the present research was to elucidate the semantic system of concepts in the semantic field of "providing assistance" in the Holy Quran and to analyze the social implications arising from it, relying on network semantics. The research method is descriptive-analytical with an approach of historical semantics and componential analysis in which the Quranic contexts, the central meaning, and the semantic expansion of each word have been analyzed. The findings demonstrate that five key words, "bestowal" (*I'tā*), "spending" (*Infāq*), "giving" (*Ītā*), "supporting" (*Rafd*), and "provision" (*Rizq*), although sharing the base meaning of "providing assistance", each has acquired a different scope of inclusion and social function with unique semantic components: "*I'tā*" as a general and overarching core, "*Infāq*" signifying giving along with relinquishment of ownership and altruism (*Īthār*), "*Ītā*" signifying the giving of great and dignified bounties, "*Rafd*" signifying giving coupled with active support, and "*Rizq*" signifying continuous beneficial and life-giving giving. These concepts, in interaction with one another, form a semantic network that, in addition to linguistic implication, possesses specific social implications. This research, by utilizing a three-stage mixed methodology (analysis of semantic components, social contextualization, and the deduction of social implications) demonstrates that this semantic network provides a cohesive model for redefining the relationship between "self" and "other", the institutionalization of collective responsibility, the differentiation between self-sacrificing aid and wise provision, the strengthening of mutual cooperation, and the creation of a backing for supportive laws in the Islamic society. The final conclusion is that an accurate understanding of this network can strengthen the theoretical and practical foundations of the Islamic lifestyle in the domain of social, economic, and ethical relations and transform "providing assistance" from an individual action into a cohesive social system.

Keywords: Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*), Providing assistance, Semantic constructs, Social implications.

Cite this article: Ashryeh, R. (2026). A Comparative Analysis of the Semantic Constructs of "Providing Assistance" and Its Social Implications in the Holy Quran (*Al-Qur'ān al-Karīm*). *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 353-370. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74115.1477>

Received: 2025-07-13 ; **Revised:** 2025-08-25 ; **Accepted:** 2025-09-23 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



تحلیل تطبیقی سازه‌های معنایی «امدادرسانی» و دلالت‌های اجتماعی آن در قرآن کریم

رحمان عشریه

دانشیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. oshryeh@quran.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نظام معناشناختی مفاهیم حوزه «امدادرسانی» در قرآن کریم و تحلیل دلالت‌های اجتماعی برآمده از آن، با تکیه بر معناشناسی شبکه‌ای بوده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد معناشناسی تاریخی و تحلیل مؤلفه‌ای است که در آن، بافت‌های قرآنی، معنای محوری و توسعه معنایی هر واژه واکاوی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پنج واژه کلیدی «اعطاء»، «انفاق»، «ایتاء»، «رغد» و «رزق»، اگرچه در معنای پایه «امدادرسانی» مشترک هستند، اما هر یک با مؤلفه‌های معنایی منحصر به فرد، دامنه شمول و کارکرد اجتماعی متفاوتی یافته‌اند: «اعطاء» به عنوان هسته عام و فراگیر، «انفاق» بر بخشش همراه با خروج از ملکیت و ایثار، «ایتاء» بر اعطای مواهب بزرگ و با شأن، «رغد» بر عطای توأم با پشتیبانی فعال، و «رزق» بر عطای نافع و حیات‌بخش مستمر دلالت دارد. این مفاهیم در تعامل با یکدیگر، شبکه‌ای معنایی را شکل می‌دهند که افزون بر دلالت زبانی، واجد دلالت‌های اجتماعی مشخصی است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی سه‌مرحله‌ای (تحلیل مؤلفه‌های معنایی، بافت‌شناسی اجتماعی و استنتاج دلالت‌های اجتماعی) نشان می‌دهد که این شبکه معنایی، الگویی منسجم برای بازتعریف رابطه «خود» و «دیگری»، نهادینه‌سازی مسئولیت‌پذیری جمعی، تمایز میان کمک فداکارانه و تأمین حکیمانه، تقویت همیاری متقابل، و پشتوانه‌سازی برای قوانین حمایتی در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد. نتیجه نهایی آنکه، شناخت دقیق این شبکه می‌تواند مبانی نظری و عملی سبک زندگی اسلامی را در حوزه روابط اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی تقویت کرده و «امدادرسانی» را از یک کنش فردی به یک نظام اجتماعی منسجم تبدیل کند.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، امدادرسانی، سازه‌های معنایی، دلالت‌های اجتماعی.

استاد به این مقاله: عشریه، رحمان (۱۴۰۵). تحلیل تطبیقی سازه‌های معنایی «امدادرسانی» و دلالت‌های اجتماعی آن در قرآن کریم. مطالعات

فرهنگی/اجتماعی حوزه، ۱۱(۱)، ص ۳۵۳-۳۷۰. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.74115.1477>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه ۱۴۰۵ / نویسنده‌ان دارندة حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

در منظومه معرفتی قرآن کریم، مفاهیم بنیادین در قالب شبکه‌ای زنده و پویا از معانی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. مطالعه این شبکه‌های معنایی با رویکرد تحلیلی، کلیدی اساسی برای گشودن گنجینه‌های معرفتی این کتاب آسمانی و استخراج الگوهای هدایت‌بخش برای حیات انسانی است. در این میان، حوزه «امدادرسانی» به عنوان یکی از ارکان مهم سبک زندگی اسلامی، در قرآن با واژگانی غنی و ظریف بیان شده که هر یک، قطعه‌ای از پازل پیچیده روابط انسانی و الهی را تکمیل می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر پنج مفهوم کلیدی «اعطاء»، «إنفاق»، «إیتاء»، «رفد» و «رزق»، در پی واکاوی سازه‌های معنایی این شبکه قرآنی است. پرسش اصلی تحقیق آن است که سازه‌های معنایی متمایزکننده مفاهیم پنج‌گانه امدادرسانی در قرآن کریم چیست؟ و این مفاهیم چگونه در تعامل با یکدیگر، منظومه‌ای منسجم برای تبیین «امدادرسانی» در سبک زندگی اسلامی پدید می‌آورند؟ فرضیه پژوهش بر این پایه استوار است که این پنج واژه، اگرچه در دایره معنایی کلی «بخشش و یاری» قرار می‌گیرند، اما هر یک با مؤلفه‌های معنایی منحصر به فرد و قیده‌های شاخصی از هم متمایز می‌شوند. به بیان دیگر، این مفاهیم نه مترادف، بلکه اجزای مکمل یک شبکه معنایی بزرگ‌تر هستند که «امدادرسانی» را در ابعاد گوناگون آن (از عام تا خاص، از مادی تا معنوی، از مستمر تا دفعی) تفسیر می‌کنند. ضرورت انجام این پژوهش را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: نخست، در سطح تفسیری، فهم دقیق و تمایز این مفاهیم، مانع از خلط معنایی در فهم آیات و درک ظرافت‌های بلاغی قرآن می‌شود. دوم، در سطح روش‌شناختی، این تحقیق با تلفیق روش‌های کهن فقه‌اللغه و معناشناسی تاریخی با رویکرد تحلیلی مدرن (تحلیل مؤلفه‌ای و شبکه‌محور)، الگویی برای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه قرآن‌پژوهی ارائه می‌دهد. سوم و مهم‌تر از همه، در سطح کاربردی و سبک زندگی، تبیین دقیق معنایی این واژگان، مبانی نظری محکمی برای طراحی الگوهای رفتاری، تنظیم مناسبات اقتصادی-اجتماعی و تقویت اخلاق مدنی در جامعه اسلامی فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که «امدادرسانی» در منظومه قرآنی، چگونه می‌تواند از یک عمل فردی فراتر رفته و به یک «نظام اجتماعی مبتنی بر عطا و هم‌رزقی» تبدیل شود. در پایان، انتظار می‌رود این پژوهش افزون بر غنابخشی به ادبیات معناشناسی قرآنی، به درکی نظام‌مند و کاربردی از سطوح و انواع امدادرسانی در سبک زندگی اسلامی دست یابد. دستاورد نهایی، ارائه چارچوبی مفهومی است که می‌تواند مبنایی برای تربیت فردی، سیاست‌گذاری اجتماعی و تعالی اخلاقی جامعه قرار گیرد و نشان دهد که چگونه قرآن کریم با ظرافت زبانی خود، «کمک» را از حیطة عمل احساسی و مقطعی خارج کرده و به آن عمق، استمرار، مسئولیت و جهتی الهی می‌بخشد.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه مطالعات معناشناسی قرآن، به‌ویژه در حوزه مفاهیم مرتبط با «کمک‌رسانی»، می‌توان



دریافت که رویکرد غالب در اغلب پژوهش‌های پیشین، رویکردی واژه‌محور و جزئی‌نگر بوده است. در این مطالعات، عمدتاً بر تحلیل منفرد واژگان، ریشه‌شناسی آن‌ها و بررسی تفاسیر لغوی و روایی هر کلمه تأکید شده است. هرچند این آثار - همچون مطالعات لغوی کلاسیک، مانند: «المفردات» راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، و «مقایس اللغه» ابن فارس (۱۴۰۴ق) و پژوهش‌های معطوف به تمایز واژگان، مانند: «الفروق اللغویه» عسکری (۱۴۱۲ق)) - گام‌های بنیادینی در شناخت معنای اجزای تشکیل‌دهنده این حوزه معنایی برداشته‌اند، اما اغلب فاقد نگرش کل‌نگر و نظام‌مند نسبت به روابط درونی و ساختار شبکه‌ای این مفاهیم هستند. همچنین، پژوهش‌های نوینی مانند آثار ایزتسو، توشیهیکو که بر «میدان معنایی» و «مفاهیم کانونی» در دو اثر معروف وی: «خدا و انسان در قرآن» (۱۳۸۰) و نیز «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» (۱۳۸۱) تمرکز داشته‌اند، اگرچه افق‌های روش‌شناختی جدیدی گشوده‌اند، اما عمدتاً معطوف به ترسیم نقشه‌ای کلان از جهان‌بینی قرآنی بوده و کمتر به تحلیل ریزساختارها و روابط سلسله‌مراتبی در یک حوزه معنایی مشخص و کاربردی مانند «کمک‌رسانی» پرداخته‌اند. همچنین واعظ‌زاده خراسانی (۱۳۸۸) در «المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته»، با تأکید بر فقه اللغه و بلاغت قرآن، به واکاوی عمیق معناشناسی واژگان و استخراج مؤلفه‌های معنایی ظریف آن‌ها پرداخته است. «فرهنگ‌نامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن» (۱۳۹۸) نیز با بررسی مقایسه‌ای واژگان، گام‌های مؤثری در جهت معناشناسی ساختاری قرآن برداشته است. در این میان، خلأ پژوهشی اصلی، فقدان مطالعه‌ای است که با به‌کارگیری نظام‌مند و تطبیقی رویکرد شبکه‌ای، به تحلیل یک حوزه معنایی مشخص (مانند کمک‌رسانی) بپردازد و در عین تمرکز بر سازه‌های کلیدی آن، ساختار درونی، روابط مفهومی و سلسله‌مراتب معنایی میان این سازه‌ها را کشف و تبیین کند. به عبارت دیگر، پرسش اصلی این است که این مفاهیم چگونه در کنار یکدیگر و در تعامل با هسته معنایی مشترک، شبکه‌ای پویا و منسجم را تشکیل می‌دهند که رفتار زبانی و دلالتی منحصر به فرد هر واژه را در بافت قرآنی رقم می‌زند. بر این اساس، سه شکاف تحقیقاتی عمده در این حوزه قابل شناسایی است: نخست، فقدان مطالعه نظام‌مند روابط بین‌امتی، به این معنا که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به معنای مستقل هر واژه پرداخته‌اند و تحلیل روشنی از چگونگی ارتباط و تعامل این مفاهیم با یکدیگر در یک سیستم زبانی ارائه نداده‌اند؛ دوم، عدم به‌کارگیری روش تحلیل شبکه معنایی، به گونه‌ای که رویکرد تحلیلی رایج اغلب توصیفی - تطبیقی صرف بوده و از چارچوب نظری و روش‌شناسی «معناشناسی شبکه‌ای» که قادر به مدل‌سازی روابط پیچیده و سلسله‌مراتبی است، بهره‌چندانی نبرده است؛ و سوم، نبود نقشه جامع سلسله‌مراتبی، که در نتیجه دو مورد پیشین، نقشه‌ای جامع که جایگاه هر مفهوم را در سلسله‌مراتب معنایی حوزه «امدادرسانی» نشان دهد و هسته مرکزی، مفاهیم پیرامونی و روابط آنها (همنشینی، جانشینی، تقابل) را ترسیم کند، ارائه نشده است. پژوهش حاضر در امتداد منطقی پژوهش‌های پیشین، اما با هدف پر کردن خلأهای فوق، با بهره‌گیری از



چارچوب نظری «معناشناسی شبکه‌ای»، درصدد ترسیم نقشه جامع شبکه مفهومی کمک‌رسانی در قرآن کریم است. این پژوهش با تمرکز بر مفاهیم کلیدی «اعطاء، انفاق، ایطاء، رفق، رزق»، فراتر از مطالعات واژه‌محور و پراکنده حرکت کرده و می‌کوشد با تحلیل تطبیقی و شبکه‌ای، ساختاری پویا و منسجم از روابط معنایی این مفاهیم را آشکار سازد. نوآوری روش شناختی این تحقیق در تلفیق معناشناسی تاریخی و تحلیل مؤلفه‌ای با رویکرد شبکه‌ای است که افزون بر انطباق با استانداردهای پژوهشی نوین، گامی در جهت تحقق «خوانش ساختاریافته» و «کل‌نگر» از منظومه مفاهیم قرآنی محسوب می‌شود. هدف نهایی، تبیین دقیق‌تر روابط سلسله‌مراتبی و هم‌افزایی معنایی میان این سازه‌ها بوده تا درکی نظام‌مند و کاربردی از مفهوم «کمک‌رسانی» در سبک زندگی اسلامی فراهم آید.

۳. مفاهیم پژوهش

مفاهیم کلیدی و بنیادینی که سنگ‌بنا و هسته اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند، در این بخش با تفصیل و دقت مفهومی مورد بررسی قرار گرفته، تبیین و تعریف می‌شوند. این تعاریف زبان مشترک و درکی دقیق از واژگان تخصصی را برای خواننده فراهم می‌آورد، تا مبانی نظری و عملی پژوهش براساس آن استوار گردد.

۳-۱. معناشناسی

معناشناسی، به‌عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، به مطالعه نظام‌مند معنا و روابط مفهومی میان واژگان می‌پردازد. در این نگاه، هر واژه در شبکه‌ای از اشتراکات و تمایزات معنایی با دیگر واژگان تعریف می‌شود. ابزار کلیدی برای تحلیل این شبکه، «تحلیل مؤلفه‌ای» است (صفوی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۰). در این روش، معناشناسان با تفکیک مفاهیم به اجزای تشکیل‌دهنده کوچک‌تر، یعنی مؤلفه‌های معنایی، به درکی ساختاریافته از کلیت معنایی واژه دست می‌یابند (صفوی، ۱۳۹۷، ص ۷۸). این مؤلفه‌ها که مجموعه‌ای از ویژگی‌های بنیادین معنا ساز هستند، نه تنها معنای واژه را تعریف می‌کنند، بلکه امکان تفسیر دقیق‌تر روابط نحوی و معنایی را در بافت جمله فراهم می‌سازند (پالمر، ۱۳۴۶، ص ۱۴۷). تحلیل این مؤلفه‌ها که از اهداف اصلی مطالعات معناشناسی است، لایه‌های پنهان و عمیق‌تری از معنا را آشکار می‌کند. مؤلفه‌های معنایی گاهی مستقیماً از بافت متن استنباط می‌شوند و گاهی نقش آن‌ها در شکل‌گیری نهایی مفهوم، از طریق تعامل با واژگان مرتبط و هم‌خانواده روشن‌تر می‌گردد (پالمر، ۱۳۴۶، ص ۱۵۳).

۳-۲. معناشناسی شبکه‌ای

معناشناسی شبکه‌ای به‌عنوان یک رویکرد ساختارگرا، بر این اصل استوار است که معنای هر واژه در درون ساختاری پیچیده و سازمان‌یافته از ارتباطات با سایر واحدهای معنایی شکل می‌گیرد (صفوی،



۱۳۹۷، ص ۵۶). این شبکه ارتباطی که بازتابی از سازماندهی دانش زبانی و جهان‌نگری نهفته در یک گفتمان است، هسته اصلی اندیشه را در روابط نظام‌مند بین مفاهیم می‌داند (پاکتچی، ۱۳۸۸، ص ۷-۲۸). از این منظر، معنا امری سازمان‌یافته و رابط‌محور است و هویت هر واژه تنها در نسبت و تقابل با دیگر واژگان درون نظام زبانی تعریف می‌شود. این دیدگاه با معناشناسی شناختی نیز همسو است که در آن، دسته‌بندی‌های مفهومی در ذهن به صورت شبکه‌هایی از روابط بین نمادهای زبانی بازنمایی می‌شوند و ادراک انسان از جهان را منعکس می‌کنند (لیونز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲؛ کروف و کروز، ۱۳۸۶، ص ۵۴). بر همین مبنا، پژوهش حاضر با تحلیل شبکه‌ای واژگان، در پی کشف الگوها و روابط معنایی پنهان در منظومه مفهومی مورد بررسی است. در حوزه مطالعات قرآنی، این رویکرد به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تحلیل نظام‌مند مفاهیم قرآن به‌کار گرفته می‌شود و در تقابل با روش‌های سنتی تفسیر لغوی قرار می‌گیرد که واژگان را عمدتاً به‌صورت مجرد و منفک بررسی می‌کنند. به گفته فرید العطا، معناشناسی شبکه‌ای در قرآن «روشی برای مطالعه متن قرآنی است که بر کشف شبکه درونی حاکم بر گروهی از واژگان مرتبط معنایی تمرکز دارد. این واژگان در سراسر قرآن پراکنده‌اند، اما شبکه‌ای منسجم را تشکیل می‌دهند که یک حوزه معنایی واحد را بیان می‌کنند. هدف، گذر از مطالعه تک‌واژه‌ها به مطالعه کلیت مفهومی است که از تعامل این واژگان در یک نظام منسجم پدید می‌آید» (العطا، ۲۰۱۷، ص ۳۵). این نگاه «کل‌نگر و یکپارچه، در پی کشف روابط پنهان و ساختار منظم بین واژگان متعارف است و قرآن را به عنوان متنی زنده و منسجم در نظر می‌گیرد که مفاهیم آن در شبکه‌ای به هم تنیده تجلی یافته‌اند» (یوسف، ۲۰۱۹، ص ۸۹). بنابراین، این رویکرد امکان فهم عمیق‌تر و منسجم‌تری از معانی قرآن را فراهم می‌سازد.

۴. روش تحلیل دلالت‌های اجتماعی

استخراج دلالت‌های اجتماعی در این پژوهش، بر مبنای یک فرآیند روشمند چندمرحله‌ای و در امتداد معناشناسی شبکه‌ای سامان یافته است. نقطه آغاز این روش، این اصل بنیادین است که در قرآن کریم، ساختارهای معنایی واژگان، واجد پیامدهای رفتاری و اجتماعی‌اند و شبکه مفهومی هر حوزه معنایی، ظرفیت تولید الگوهای کنش اجتماعی را داراست. بر این اساس، دلالت اجتماعی نه امری افزوده بر متن، بلکه نتیجه طبیعی گسترش معنای زبانی در سطح «کارکرد اجتماعی» آن تلقی می‌شود. در گام نخست، استخراج مؤلفه‌های معنایی بنیادین هر یک از واژگان پنج‌گانه «اعطاء»، «انفاق»، «ایطاء»، «رغد» و «رزق» از طریق تحلیل ریشه‌شناختی، بررسی بافت‌های قرآنی و تحلیل تفسیری انجام شد. این مؤلفه‌ها شامل عناصری چون «عموم یا خصوص عطا»، «خروج یا عدم خروج از ملکیت»، «استمرار یا دفعی بودن»، «نفع حیات‌بخش»، «عظمت موهبت» و «همراهی با پشتیبانی عملی» بود. این مرحله، سطح «معنای زبانی - مفهومی» را تثبیت می‌کند و مبنای هرگونه تحلیل فراتر از زبان قرار می‌گیرد. در گام دوم، تحلیل روابط شبکه‌ای میان مفاهیم انجام شد. در این مرحله، واژگان نه به‌صورت منفرد،



بلکه در قالب یک شبکه شامل روابط همنشینی، جانشینی و تقابل بررسی شدند. نتیجه این تحلیل، ترسیم یک سلسله‌مراتب معنایی بود که در آن «اعطاء» به‌عنوان هسته عام، و سایر مفاهیم به‌عنوان زیرسازه‌های تخصص‌یافته با قیده‌های معنایی خاص شناسایی شدند. این ساختار شبکه‌ای، امکان عبور از سطح معنا به سطح «نظام‌مندی اجتماعی» را فراهم می‌سازد؛ زیرا شبکه‌های معنایی در قرآن، هم‌زمان شبکه‌های هنجاری نیز هستند.

گام سوم، گذار از مؤلفه معنایی به کارکرد اجتماعی است. در این مرحله، هر مؤلفه معنایی به‌صورت روشمند به یک «قاعده کنش اجتماعی» ترجمه شد. به‌عنوان نمونه، مؤلفه «خروج از ملکیت» در مفهوم «انفاق»، به دلالت اجتماعی «ایثار اقتصادی و بازتوزیع داوطلبانه منابع» منتهی می‌شود؛ یا مؤلفه «استمرار و حیات‌بخشی» در «رزق»، به دلالت اجتماعی «مسئولیت‌پذیری پایدار در تأمین نیازهای اساسی جامعه» راه می‌برد. این تبدیل، بر اساس اصل «تلازم معنا و کارکرد» انجام می‌شود؛ اصلی که در مطالعات معناشناسی کاربردی و معناشناسی اجتماعی مورد تأکید است.

در گام چهارم، اعتبارسنجی دلالت‌های اجتماعی از طریق کنترل قرآنی صورت گرفت؛ بدین معنا که دلالت اجتماعی استخراج‌شده، با سایر آیات هم‌حوزه، جهت‌گیری‌های کلان قرآن در حوزه عدالت، تعاون، قوام اجتماعی و اخلاق اقتصادی سنجیده شد، تا از تحمیل معنا یا تعمیم ناصواب جلوگیری شود. تنها آن دسته از دلالت‌ها معتبر تلقی شدند که با روح کلی نظام اجتماعی قرآن و شبکه مفهومی آن سازگار باشند.

در نهایت، دلالت‌های اجتماعی استخراج‌شده، در قالب یک الگوی مفهومی سبک زندگی اسلامی صورت‌بندی شدند؛ الگویی که نشان می‌دهد قرآن کریم «امدادرسانی» را نه به‌عنوان یک کنش فردی مقطعی، بلکه به‌مثابه یک نظام اجتماعی چندسطحی سامان می‌دهد که در آن، اشکال متنوع کمک (از اعطاء عام تا انفاق ایثارگرانه، از رفد حمایتی تا رزق پایدار) هر یک کارکرد مشخصی در قوام جامعه ایمانی دارند. بدین ترتیب، روش‌شناسی پژوهش حاضر، پیوندی روشمند میان معناشناسی قرآنی و تحلیل دلالت‌های اجتماعی برقرار کرده و امکان استنتاج‌های منضبط و قابل دفاع علمی را فراهم ساخته است.

۵. تحلیل داده‌ها

در این بخش واژگان اصلی پژوهش در چارچوب یک مطالعه نظام‌مند معناشناختی مورد واکاوی دقیق قرار خواهند گرفت. در این تحلیل، شبکه مفهومی «امدادرسانی» به‌عنوان هسته مرکزی حوزه معنایی در نظر گرفته شده است. این واکاوی تطبیقی از طریق طراحی الگوی گرافیکی تصویرسازی روابط معنایی در یک چارچوب نظام‌مند ارائه می‌گردد.



نمودار کلی پژوهش

۵-۱. اعطاء

واژه «اعطاء» از ریشه ثلاثی «ع ط و» گرفته شده که بر مفهوم گرفتن با دست دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۵۳). این ریشه در مشتقات گوناگونی تجلی یافته است؛ «اعطاء» به چیزی اطلاق می‌شود که داده می‌شود، «اعطاء» مصدر باب افعال و به معنای دادن است، و «معاطاء» به معنای دادوستد به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۳۲). حتی در توصیف حیوانات نیز این معنا دیده می‌شود، چنانکه «الظبی العاطی» به آهوایی گفته می‌شود که برای خوردن برگ‌ها دستش را بالا می‌برد (همان). راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۵۷۲) «اعطاء» را به معنای دادن و رساندن می‌داند و فیومی (۱۴۰۵ق، ص ۴۱۷) به این نکته دستوری اشاره می‌کند که «اعطاء» از باب افعال، دو مفعول می‌پذیرد. مشتقات این ماده «اعطاء»، «إعطاء» و «تعاطی» در مجموع در ۱۲ آیه از قرآن کریم به کار رفته‌اند. یکی از مهم‌ترین بافت‌های کاربرد این واژه، آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (کوثر، ۱) است. مفسران در تحلیل این آیه بر جنبه‌های مختلف معنایی «اعطاء» تأکید کرده‌اند. طوسی (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۱۷) آن را به «اخراج» شیء و دادن آن به گیرنده تفسیر کرده که می‌تواند به صورت تملیک یا غیرتملیک باشد، اما در مورد خیر کثیر (کوثر) آن را تملیکی می‌داند. آلوسی (۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۴۴۲) با مقایسه «اعطاء» و «ایتاء» معتقد است که کاربرد «اعطاء» در سوره کوثر و نیاوردن «ایتاء» می‌تواند اشاره به تملیکی بودن این بخشش باشد. معنای محوری «اعطاء»، مفهوم کلی و پایه‌ای «دادن» است که در بسترهای تفسیری، توسعه‌های معنایی خاصی یافته؛ از جمله عمومیت در کمیت، به گونه‌ای که برخلاف «ایتاء» که به گفته برخی مفسران برای اعطای اشیاء عظیم به کار می‌رود، «اعطاء» هم در قلیل (نجم، ۳۴) و هم در کثیر (کوثر، ۱) استعمال شده است (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۳۰، ص ۴۴۲)، و نیز تنوع در کیفیت انتقال، که «اعطاء» می‌تواند شامل تملیک (مانند کوثر) یا صرفاً رساندن و اخراج شیء باشد (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۱۷). واژه «اعطاء» به عنوان هسته مرکزی شبکه معنایی «دادن» در قرآن، با سایر واژگان این حوزه در رابطه همنشینی و جاننشینی قرار دارد و از طریق قیدهای معنایی از آنها متمایز می‌شود: از «امداد» به جهت تأکید بر عطای مستمر و تدریجی در مقابل عمل ساده دادن، از «انفاق» به دلیل خاص بودن و همراهی با خروج مال از ملکیت، از «ایتاء» با توجه به کاربرد آن برای مواهب بزرگ‌تر و با عظمت، از «رَفْدٌ» به لحاظ



فقدان دلالت بر همراهی و پشتیبانی، و از «رزق» به علت محدود نبودن به عطای مستمر و حیات بخش الهی و گستردگی دامنه فاعلی آن به انسان و خدا؛ که این تمایزات جایگاه کلیدی و معنای عام «اعطاء» را در شبکه بخشش قرآن مشخص می‌سازد. از تحلیل فوق می‌توان نتیجه گرفت که «اعطاء» با داشتن معنای محوری و فراگیر «دادن»، نقش پایه‌ای در شبکه معنایی بخشش در قرآن ایفا می‌کند. این واژه از طریق فقدان قیده‌های معنایی خاصی مانند استمرار (در مقابل امداد)، خروج از ملکیت (در مقابل انفاق)، عظمت موهبت (در تقابل با ایتاء)، همراهی با کمک (در مقابل رفق) و نفع حیاتی مستمر (در مقابل رزق)، دامنه شمول گسترده‌تری پیدا کرده و به عنوان یک مفهوم کلیدی و عام در حوزه معنایی عطا و بخشش قرار گرفته است.

۲-۵. انفاق

واژه «انفاق» از ریشه «نَفَقَ» (نون، فاء و قاف) اشتقاق یافته که بر دو معنای محوری «جدا شدن و رفتن یک چیز» و «پنهان کردن» دلالت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۴). راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۸۱۹) معنای اصلی این ماده را «از دست رفتن و تمام شدن» یک شیء بر اثر فروختن، مرگ یا نابود شدن می‌داند. اگرچه در عرف، «انفاق» غالباً به معنای «اعطاء» به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۰۷)، اما معنای بنیادین آن، حاکی از خروج و زوال تدریجی است. مشتقات واژه «انفاق» در قرآن کریم از بسامد بسیار بالایی برخوردار است. مفسران در ذیل آیاتی چون «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره، ۳)، آن را به «اخراج» زکات واجب و خیرات مستحب تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۷). این عمل گاه با قید «اخراج با دست» (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۲؛ قرطبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۵) و گاه به عنوان «اعطای رزق سودمند» توصیف شده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۲)، که نشان از جایگاه محوری این مفهوم در نظام اقتصادی-اخلاقی قرآن دارد. معنای محوری «انفاق» بر پایه ریشه آن، «خروج و زوال از ملکیت» است. این مفهوم، توسعه معنایی یافته و به «اخراج عمدی و ایثارگرانه» بخشی از دارایی (اعم از مال و غیرمال) اطلاق می‌شود که می‌تواند جنبه واجب یا مستحب داشته باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۹). برخلاف «اعطاء» که بر خود عمل دادن تأکید دارد، انفاق بر «فداکاری و گذشت» ناشی از خروج دائم مال از ملکیت دهنده دلالت می‌کند و آن را به عملی مبتنی بر ایثار تبدیل می‌سازد. در شبکه معنایی مفاهیم عطا، «انفاق» با واژگانی چون «اعطاء»، «رزق» و «امداد» ارتباط دارد، اما از آنها متمایز است. در حالی که «اعطاء» معنای عام دادن را می‌رساند و «رزق» بر تأمین مستمر و حیات بخش تأکید دارد، انفاق بر «خرج کردن توأم با گذشت از ملکیت شخصی» تمرکز می‌کند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۰۷). همچنین، برخلاف «امداد» که کمک گسترده و عینی را می‌رساند، انفاق بار ارزشی و اخلاص محور قوی‌تری دارد و بیشتر در حیطه اعمال نیک اختیاری و الهی قرار می‌گیرد و آن را به نمادی از ایثار و قربانی تبدیل می‌کند.

۳-۵. ایتاء

واژه «ایتاء» از ریشه «أتی» (آمدن) مشتق شده و در ساختار باب «افعال» به معنای اعطا و بخشش به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰-۵۱؛ ازهری، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۵۲). جوهری (۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۲۶۱-۲۲۶۲) با تمایز نهادن میان «اتیان» به معنای آمدن و «أتو» به معنای عطا، «ایتاء» را در زمره مصادیق افعال با مفهوم اعطا طبقه بندی می کند. این دیدگاه توسط فیومی (۱۴۰۵ق، ص ۳-۴) و راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۶۰-۶۱) نیز تأیید شده که با محوریت معنای «آمدن آسان»، انتقال معنایی به «عطا کردن» را تبیین نموده اند. مشتقات این واژه با فراوانی قابل توجهی در قرآن کریم حاضر شده است. در آیه ۲۶۵ بقره «فَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ»، «ایتاء» به معنای عطا و ارزاق دوچندان باغ های پرثمر تفسیر شده (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱) و در آیه ۵۳ همان سوره «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ»، بر اعطای کتاب آسمانی به پیامبری بزرگ دلالت دارد (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۲؛ قرطبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۱). اگرچه «ایتاء» در معنای خود با مفاهیمی چون «اعطاء» هم پوشانی دارد، اما مؤلفه تمایزگر آن، اعطای امر بزرگ و دارای شأن است؛ برخلاف «اعطاء» که دامنه کاربرد وسیع تری دارد، «ایتاء» غالباً در مواردی چون عطای حکومت یا وحی به کار می رود و بر خصلت «اهمیت و عظمت موهبت» تأکید می کند. این واژه در تقابل و تعامل با دیگر واژگان حوزه بخشش، شبکه معنایی غنی می یابد: در مقایسه با «امداد» (عطای مستمر و کشیده شده) و «انفاق» (خروج مال از ملکیت)، «ایتاء» بر نتیجه نهایی و کیفی تأکید دارد؛ در مقابل «رغد» (بخشش همراه با پشتیبانی فعال)، بیشتر بر خود عطیه متمرکز است تا فرآیند کمکی؛ همچنین، در تمایز با «رزق» (عطای مستمر حیات بخش)، لزوماً تداوم ندارد، اما از حیث ارزشی برجسته است؛ و هرچند «نوال» در لغت به عطا اشاره دارد، اما غیبت آن در قرآن، جایگاه بی بدیل «ایتاء» در دلالت های وحیانی را نمایان می سازد. بدین ترتیب، «ایتاء» در منظومه معنایی قرآن، مفهومی فراتر از اعطای ساده را نمایندگی می کند و بر بخشش های بزرگ، تقدسی و تکوینی دلالت دارد که هم در حیطه مادی و هم در عرصه معنوی ظهور می یابد.

۴-۵. رَفْدٌ

واژه «رَفْدٌ» از ریشه ثلاثی «ر-ف-د» گرفته شده است. این ماده در اصل به معنای همکاری، پشتیبانی و اعانه است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲۱). مصدر آن «رَفَدَ يَرْفُدُ» به معنای عطا کردن بوده و «رَفْدٌ» نیز به عنوان اسم مصدر به کار می رود. لغت شناسان تعبیر گوناگونی مانند «عطا و صلّه»، «اعطا و اعانه» و «معاونت» را برای آن ذکر کرده اند (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۷۵؛ فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۲). راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۳۶۰) نیز آن را به «مَعُونَةٌ» (کمک) و «عَطِيَّةٌ» (عطا) معنا



می‌کند که نشان از هم‌آمیختگی معنای کمک و بخشش در ذات این کلمه دارد. این واژه و مشتقات آن تنها در یک آیه از قرآن کریم، یعنی آیه ۹۹ سوره هود به کار رفته است: «بِئْسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ». مفسران در تحلیل این آیه، «رفد» را به «عون» (کمک و مدد) (زجاج، ۱۴۱۸ق، ص ۷۷) یا «عطا و عون» (سجستانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۷) تفسیر کرده‌اند. در این بافت قرآنی، «رفد» به لعنت و عذاب الهی اشاره دارد که به صورت پیاپی و پیوسته (مَرْفُود) دشمنان خدا را فراگرفته است. این کاربرد، نوعی استعاره تهکمی و استهزاءآمیز محسوب می‌شود که در آن، عذاب الهی به عنوان «کمک و عطای» ناخواسته و شومی برای مجرمان تصویر شده است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۵-۶، ص ۲۹۲). معنای محوری و هسته‌ای «رفد»، ترکیبی از دو مفهوم «عطا کردن» و «کمک رساندن» است. بر این اساس، «رفد» تنها یک بخشش مادی صرف نیست، بلکه عطایی است که در قالب کمک، پشتیبانی و تقویت به دیگری ارائه می‌شود. این توسعه معنایی باعث می‌شود «رفد» بر اقداماتی دلالت کند که هدف نهایی آن، تقویت و حمایت از گیرنده است، خواه این کمک به صورت مادی باشد یا معنوی. حتی کاربرد تهکمی آن در آیه قرآن نیز این مفهوم بنیادین را نقض نمی‌کند، بلکه با وارونه‌نمایی معنایی، بر شدت تقویت منفی (عذاب) تأکید می‌ورزد. در شبکه معنایی مفاهیم عطا و بخشش، «رفد» با واژگانی چون «اعطاء»، «امداد»، «انفاق» و «رزق» هم‌خانواده است، اما از هر یک متمایز است. برخلاف «اعطاء» که بر دلالت عام دادن و تملیک تأکید دارد، «رفد» بر عنصر کمک و معاونت در کنار بخشش تصریح می‌کند. همچنین، با «امداد» که بر کشیدن و تداوم بخشش دلالت می‌کند، و با «انفاق» که بر خارج کردن مال از ملکیت برای مصرف صحیح متمرکز است، تفاوت ماهوی دارد. «رفد» از «رزق» نیز متمایز است؛ چراکه «رزق» بر عطای نافع و پایدار برای ادامه حیات دلالت می‌کند، در حالی که «رفد» لزوماً به قصد روزی دادن نیست، بلکه هدف اصلی آن، تقویت موقعیت گیرنده از طریق کمک و مساعدت است. بنابراین، وجه تمایز اصلی «رفد»، درآمیختگی ذاتی مفهوم «عطا» با «کمک عملی» است.

۵-۵. رزق

واژه «رزق» از ریشه «ر-ز-ق» به معنای اساسی «عطا کردن» است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۸). «رِزْق» به عطای الهی اطلاق می‌شود و به عنوان اسم مصدر نیز به کار رفته است. در مقابل، واژگانی مانند «اعطاء» از «عطو» به معنای گرفتن با دست مشتق شده (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۵۳) و «إبتاء» از ماده «أتی» به معنای آمدن گرفته شده که در باب افعال به معنای اعطا به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰-۶۱). همچنین «امداد» از ریشه «مَدَد» به معنای کشیدن و اتصال طولی بوده (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۶۹) و «انفاق» از «نَفَق» به معنای ناپدید شدن و از دست رفتن شیء است (همان، ج ۵، ص ۴۵۴). «رفد» نیز به کمک همراه با عطا اشاره دارد (فراهیدی،



۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۹۶). ماده «رزق» و مشتقات آن در قرآن کریم بسامد بالایی دارد و در بافت‌های مختلفی به کار رفته است؛ از جمله در آیاتی مانند «وَمِمَّا زَرَفْنَا لَهُمْ يَفْقُونَ» (بقره، ۳) که به عطا‌ی نافع الهی تفسیر شده است (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۳). در مقایسه، «اعطاء» و مشتقات آن در ۱۲ آیه (کوثر، ۱) و «امداد» در ۱۰ آیه (آل عمران، ۱۲۴) ذکر شده است. «انفاق» نیز به دلیل اهمیت مفهومی، تکرار فراوانی در قرآن دارد. قابل ذکر است که واژه «نوال» اگرچه در لغت به معنای عطا آمده، اما در قرآن استفاده نشده است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۰۸). معنای محوری «رزق»، «عطا‌ی نافع و حیات‌بخش» است. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص ۳۵۱) آن را به «عطا‌ی جاری و موجود - اعم از دنیوی یا اخروی - که مایه قوت و تغذیه شود»، تعریف می‌کند. این واژه بر خلاف «اعطاء» که می‌تواند عام و شامل هر نوع بخشش باشد، بر احسان مستمر و منطبق با نیاز گیرنده برای تداوم حیات دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱۶). از سوی دیگر، «انفاق» بر خروج مال از ملکیت و از دست دادن آن تأکید دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۱۹) و «امداد» بر کشیدگی و تداوم در کمک و عطا اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۷-۸، ص ۳۱۱). «رزق» از نظر معنایی با سایر واژگان این حوزه همچون «اعطاء»، «امداد»، «انفاق» و «رغد» همپوشانی دارد، اما تمایزهای کلیدی نیز مشاهده می‌شود. برخلاف «اعطاء» که اعم از حلال و حرام است و لزوماً تملیکی یا نافع نیست، «رزق» غالباً بر عطا‌ی مشروع و حیات‌بخش دلالت می‌کند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱۶). همچنین «رزق» - برخلاف «انفاق» که مستلزم خروج مال از ملک است - می‌تواند بدون زوال مالکیت صورت پذیرد. از سوی دیگر، «امداد» اگرچه بر استمرار دلالت دارد، اما اغلب در امور محبوب و همراه با کشش معنوی به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۶۳). حال آنکه «رزق» عام‌تر است و همه مواهب مادی و معنوی را دربرمی‌گیرد. واژه «رغد» نیز بیشتر بر عطا‌ی همراه با کمک و معاونت تأکید دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲۱)، در حالی که «رزق» بر خود عطا و بهره‌مندی از آن متمرکز است.

۶. دلالت‌های اجتماعی امداد‌رسانی

براساس چارچوب نظری و روش‌شناسی ارائه شده در بخش پیشین، اینک نوبت به تبیین دلالت‌های اجتماعی شبکه معنایی «امداد‌رسانی» در قرآن کریم می‌رسد. آنچه در ادامه می‌آید، نتیجه گذار نظام‌مند از تحلیل مؤلفه‌های معنایی و روابط شبکه‌ای مفاهیم پنج‌گانه (اعطاء، انفاق، ایتاء، رفق و رزق) به سطح کارکردهای اجتماعی و الگوهای رفتاری برآمده از آنها است. این دلالت‌ها نشان می‌دهند که قرآن کریم، «امداد‌رسانی» را صرفاً به عنوان یک کنش فردی اخلاقی یا عبادی منفک از متن جامعه طرح نمی‌کند، بلکه آن را در کانون یک «نظام اجتماعی منسجم» قرار می‌دهد که براساس آن، روابط انسانی، ساختارهای اقتصادی، نهادهای حمایتی و حتی راهبردهای فرهنگی و تربیتی جامعه ایمانی سامان می‌یابد. در



حقیقت، تمایزهای ظریف معنایی کشف‌شده، زمانی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، تصویری کلان از چگونگی توزیع مسئولیت‌ها، تعریف نیازمندان، تنظیم روابط دهنده و گیرنده، و نهادینه‌سازی فرهنگ همیاری در جامعه ترسیم می‌کنند. این دلالت‌های اجتماعی، پاسخی روشمند به این پرسش است که شبکه معنایی قرآن چگونه می‌تواند از یک تحلیل زبانی صرف، به نقشه‌ای برای کنش جمعی و الگویی برای سبک زندگی اسلامی تبدیل شود. در ادامه، این دلالت‌ها در قالب عناوین زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند:

- **بازتعریف رابطه «خود» و «دیگری» در جامعه اسلامی:** شبکه معنایی کشف‌شده نشان می‌دهد که «دیگری» در قرآن صرفاً یک «گیرنده منفعل» نیست. در مفهوم «رزق»، گیرنده موجودی نیازمند و وابسته به تأمین مستمر است؛ در «رغد»، او کسی است که نیاز به پشتیبانی و همیاری دارد؛ در «ایتاء»، او شایسته دریافت موهبتی بزرگ است. این تنوع، به مؤمن می‌آموزد که دیگری را نه یکسان، بلکه متناسب با موقعیت و نیازش درک کند. این نگاه، زمینه‌ساز جامعه‌ای می‌شود که در آن روابط انسانی از کلیشه‌های خشک خارج و مبتنی بر شناخت عمیق نیازهای متنوع شکل می‌گیرد.

- **نهادینه‌سازی فرهنگ مسئولیت‌پذیری جمعی:** کاربرد گسترده «رزق» برای تأمین مستمر نیازمندان (مانند فقرا و مساکین) و نیز «انفاق» به عنوان یک وظیفه دایمی، نشان می‌دهد که امدادرسانی در اسلام یک «عارضه» یا «انفاق» نیست، بلکه یک «مسئولیت ساختاری» است. این دلالت اجتماعی به این معناست که جامعه اسلامی نیازمند طراحی «نهادهای مستمر تأمین» (مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه، موقوفات، زکات نهادینه) است، تا امدادرسانی از سطح کمک‌های مقطعی و هیجانی فراتر رفته و به یک جریان پایدار تبدیل شود.

- **تمایز میان «کمک فداکارانه» و «تأمین حکیمانه»:** تفکیک معنایی میان «انفاق» (با مؤلفه ایثار و خروج از ملکیت) و «رزق» (با مؤلفه تأمین مستمر) به جامعه می‌آموزد که همه کمک‌ها از یک نوع نیستند. برخی کمک‌ها (انفاق) باید با روحیه گذشت و فداکاری همراه باشند، اما تأمین نیازهای اساسی جامعه (رزق) نیازمند برنامه‌ریزی، تداوم و حکمت است. این تمایز می‌تواند در سیاست‌گذاری اجتماعی کارآمد باشد: گاه جامعه به «بخشش فداکارانه» نیاز دارد (مانند کمک‌های بلاعوض در بحران‌ها) و گاه به «تأمین مستمر و ساختاری» (مانند بیمه‌های اجتماعی و نظام تأمین اجتماعی).

- **تقویت رابطه همیاری متقابل در برابر سلطه‌گری:** واژه «رغد» که بر عطای همراه با پشتیبانی دلالت دارد، الگویی از رابطه غیراستعماری و غیرسلطه‌جویانه را ترسیم می‌کند. در این رابطه، دهنده با گیرنده «همراه» می‌شود، نه اینکه بر او «سلطه» یابد. این دلالت اجتماعی در عرصه روابط بین‌المللی و کمک‌های بشردوستانه نیز کاربرد دارد: کمک باید به گونه‌ای باشد که کرامت گیرنده حفظ شده و وابستگی ایجاد نکند، بلکه توانمندی او را افزایش دهد.



- **الگوسازی برای «جامعه هم‌رزق»:** هنگامی که مفهوم «رزق» (به عنوان عطاء حیات بخش الهی) در کانون توجه قرار می‌گیرد، جامعه به سوی مدلی از «هم‌رزقی» سوق می‌یابد؛ یعنی همه اعضای جامعه در بهره‌مندی از مواهب الهی سهیم هستند و وظیفه دارند امکان این بهره‌مندی را برای یکدیگر فراهم کنند. این دلالت اجتماعی، بنیانی قوی برای «اقتصاد مقاومتی» و «عدالت توزیعی» فراهم می‌آورد و نگاه به منابع را از «مالکیت خصوصی محض» به «امانت‌داری جمعی» تغییر می‌دهد.

- **نفی فردگرایی افراطی و تأکید بر همبستگی اجتماعی:** کاربرد هم‌زمان این مفاهیم در قرآن، نشان می‌دهد که نجات فردی بدون توجه به دیگری ناممکن است. آیاتی که «اتفاق» را در کنار «ایمان» قرار می‌دهند (بقره، ۳)، عملاً نشان می‌دهند که ایمان بدون مسئولیت اجتماعی ناقص است. این دلالت، جامعه‌ای می‌سازد که در آن همبستگی اجتماعی نه یک انتخاب اخلاقی درجه دوم، بلکه جزئی از هویت دینی و معنوی افراد تلقی می‌شود.

- **کاربست در سیاست‌گذاری فرهنگی و تربیتی:** آموزه‌های برگرفته از این شبکه معنایی می‌توانند مبنای طراحی برنامه‌های تربیتی و فرهنگی قرار گیرند. برای مثال، تربیت نسل «منفق» (با روحیه ایثار) در کنار تربیت نسل «مرتزق» (که قدر نعمت‌ها را می‌داند و در مسیر صحیح به‌کار می‌گیرد)، جامعه‌ای متعادل می‌سازد. همچنین، ترویج فرهنگ «رفد» (حمایت فعال) در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند روحیه همیاری جمعی را تقویت کند.

- **پشتوانه‌سازی برای قوانین حمایتی:** دلالت‌های اجتماعی این مفاهیم می‌توانند مبنای نظری محکمی برای تدوین قوانین حمایتی در حوزه‌هایی مانند تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری، حمایت از معلولان و سالمندان، و نظام مالیاتی اسلامی (زکات و خمس) فراهم آورند. این قوانین دیگر صرفاً محصول عقلانیت ابزاری نیستند، بلکه ریشه در یک جهان‌بینی الهی و شبکه‌ای از مفاهیم قدسی دارند.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نظام معناشناختی مفاهیم «امدادرسانی» در قرآن کریم و تحلیل تطبیقی سازه‌های معنایی پنج واژه کلیدی «اعطاء»، «إنفاق»، «ایطاء»، «رفد» و «رزق»، در چارچوب سبک زندگی اسلامی انجام شد. بررسی ریشه‌شناختی، بافت‌های کاربردی و روابط همنشینی و جانیشینی این واژگان، مؤید این فرضیه بود که این مفاهیم، علی‌رغم فرارگیری در دایره معنایی مشترک «بخشش»، هر یک با مؤلفه‌های معنایی منحصر به فرد خود، شبکه‌ای غنی، پویا و سلسله‌مراتبی را شکل می‌دهند که درک جامع «امدادرسانی» منوط به شناخت اجزای آن است. یافته‌ها نشان داد که «اعطاء» با معنای محوری و عام «دادن»، به عنوان هسته مرکزی و فراگیر این شبکه عمل می‌کند. این مفهوم فاقد قیده‌ای تخصیص‌دهنده است و دامنه وسیعی از مصادیق را دربرمی‌گیرد. سایر مفاهیم، با افزودن قیده‌های معنایی



خاص، حوزه‌های تخصصی‌تری از امدادرسانی را پوشش می‌دهند: «انفاق» با مؤلفه «خروج از ملکیت و ایثار»، بر بعد فداکارانه و گذشت‌محور کمک در امور مالی و معنوی تأکید دارد. «ایتاء» با قید «عظمت و شأن موهبت»، به بخشش‌های بزرگ، حکیمانه و غالباً الهی (مانند وحی، حکومت، نعمت‌های ویژه) اشاره می‌کند. «رغد» با درهم‌آمیختگی ذاتی دو مفهوم «عطا» و «کمک عملی»، بر حمایت و پشتیبانی فعال و همراهی‌جویانه دلالت دارد. در نهایت، «رزق» با مؤلفه‌های «نفع حیات‌بخش» و «استمرار»، عطای مستمر و تأمین‌کننده قوام زندگی را بیان می‌کند که سرچشمه آن ذاتاً الهی است. این تمایزات، یک سلسله‌مراتب معنایی را آشکار می‌سازد که در آن «اعطاء» در رأس عام‌ترین مفهوم قرار دارد و سایر واژگان، با افزودن قیدهای خاص، زیرمجموعه‌های تخصصی‌تر آن را تشکیل می‌دهند. از منظر روش‌شناسی، این پژوهش نشان داد که تلفیق معناشناسی تاریخی و تحلیل مؤلفه‌ای (برآمده از سنت غنی فقه‌اللغه و تفسیر) با رویکرد شبکه‌ای (از دستاوردهای زبان‌شناسی نوین)، ابزاری کارآمد برای تحلیل نظام‌مند مفاهیم قرآنی است. این همگرایی، امکان‌گذر از مطالعات واژه‌محور و پراکنده به سمت تحلیل ساختاریافته و کل‌نگر را فراهم آورد و الگویی برای مطالعات میان‌رشته‌ای مشابه ارائه کرد. این نگاه یکپارچه، قرآن کریم را همچون متن زنده‌ای نشان داد که مفاهیم آن در شبکه‌ای به هم تنیده و هدفمند سازمان یافته‌اند. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش، استخراج دلالت‌های کاربردی شبکه معنایی کشف‌شده برای سبک زندگی اسلامی است. فهم تفاوت‌های ظریف این مفاهیم، تنها یک بحث نظری نیست، بلکه الگویی عملی برای ساماندهی روابط فردی و اجتماعی بر مبنای ارزش‌های قرآنی ارائه می‌دهد:

- **تنوع در عمل:** این شبکه به مؤمنان می‌آموزد که «کمک» منحصر به یک شکل نیست. گاه باید به شکل عام و بدون قید («اعطاء») باشد، گاه همراه با ایثار و گذشتن از خود («انفاق»)، گاه در قالب حمایت و پشتیبانی فعال «رغد»، و گاه به عنوان تأمین مستمر و مسئولانه نیازهای اساسی «رزق». این نگاه، غنای رفتاری و انعطاف‌پذیری در تعاملات اجتماعی را افزایش می‌دهد.

- **ایجاد تعادل:** تمایز میان «انفاق» (با تأکید بر گذشت) و «رزق» (با تأکید بر تأمین مستمر)، نشان می‌دهد که سبک زندگی اسلامی، میان فداکاری و تدبیر معاش، بذل مال و حفظ سرمایه برای تأمین آینده، تعادل برقرار می‌کند.

- **نظام اجتماعی منسجم:** وقتی این مفاهیم در کنار هم قرار می‌گیرند، تصویری از یک جامعه هم‌رزق و تعاون‌محور ترسیم می‌کنند که در آن مسئولیت‌پذیری جمعی («رزق»)، حمایت از یکدیگر («رغد»)، بخشش‌های بزرگ و زیرساختی («ایتاء»)، و روحیه ایثار («انفاق») در چارچوب کلی تعاملات انسانی («اعطاء») جریان دارد. این شبکه، مبانی نظری محکمی برای طراحی سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر قرآن فراهم می‌سازد.

- **تعالی معنوی:** درک اینکه «ایتاء» اغلب برای مواهب بزرگ الهی و «رزق» منحصر به ذات خداوند



است، توحید عملی و نگرش دینی به مقوله برکت و روزی را تقویت می‌کند. همچنین، تأکید «انفاق» بر خروج از ملکیت، به امداد رسانی بُعدی روحانی و اخلاص‌آمیز می‌بخشد و آن را از یک عمل اجتماعی صرف، به عبادتی متعالی ارتقاء می‌دهد.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد که قرآن کریم با دقتی زبان‌شناختی، مفهومی به ظاهر ساده مانند «امداد رسانی» را به یک سازه معنایی پیچیده، چندبعدی و نظام‌مند تبدیل کرده است. شناخت این شبکه نه تنها کلید فهم دقیق‌تر آیات مربوطه است، بلکه نقشه راهی برای تجلّی این مفاهیم در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. دستاورد نهایی، فراتر از غنای دانش تفسیری، ارائه چارچوبی مفهومی- عملی است که می‌تواند مبنای تربیت نسل، تحکیم روابط اجتماعی، طراحی نهادهای مدنی قرار گیرد؛ سبکی که در آن، «عطا» و «یاری»، از سطح عمل مقطعی و احساسی فراتر رفته و به فرهنگی نهادینه شده، مسئولیت‌پذیر، متوازن و خدای‌پسندانه تبدیل می‌شود. بنابراین، مطالعه شبکه‌ای مفاهیم قرآنی، ضرورتی برای فهم عمیق‌تر و کاربردی‌سازی حکمت‌های جاودانه این کتاب هدایت است. مفاهیم «اعطاء»، «انفاق»، «ایتاء»، «رغد» و «رزق» در قرآن کریم، سازه‌هایی منسجم در یک شبکه معنایی هدفمند هستند که هر یک، افزون بر دلالت زبانی، حامل کارکردها و پیامدهای اجتماعی مشخص‌اند. تحلیل شبکه‌ای این مفاهیم آشکار ساخت که قرآن کریم با قیدگذاری‌های دقیق معنایی، «امداد رسانی» را به یک نظام اجتماعی هنجار ساز تبدیل می‌کند؛ نظامی که از تعامل حداقلی انسانی (اعطاء) آغاز شده، به ایثار اقتصادی (انفاق)، توسعه زیرساختی (ایتاء)، حمایت فعال اجتماعی (رغد) و تأمین پایدار حیات جمعی (رزق) امتداد می‌یابد. بدین ترتیب، دلالت اجتماعی این مفاهیم نه امری ثانوی، بلکه جزء ذاتی معماری معنایی قرآن است و می‌تواند مبنایی نظری برای طراحی سبک زندگی اسلامی، سیاست‌های اجتماعی و اخلاق مدنی مبتنی بر وحی فراهم آورد.



منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود (۱۴۱۷ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳۰، ۱.
- ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ج ۱، ۱۱.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغه. تحقیق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۴-۵، ۱-۲.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). الفروق اللغویه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا). تهذیب اللغه. تحقیق: محمد عوض مرعب. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۱۴.
- ایزتسو، توشیهیکو (۱۳۸۰). خدا و انسان در قرآن: معناشناسی جهان‌بینی قرآن. ترجمه: احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایزتسو، توشیهیکو (۱۳۸۱). مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن. ترجمه: فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی. پژوهش دینی، شماره ۱۸، ص ۷-۲۸.
- پالمر، فرانک (۱۳۴۶). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. ترجمه کوروش صفوی. تهران: نشر مرکز.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغه و صحاح العربیه. تحقیق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۶، ۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم.
- زجاج، ابراهیم بن سری (۱۴۱۸ق). معانی القرآن و اعرابه. تحقیق: عبدالجلیل عبده شلبی. بیروت: عالم الکتب.
- سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۶ق). نزول القرآن. تحقیق: محمد بن ابراهیم الحیاد. ریاض: دارالوطن.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۷). درآمدی بر معناشناسی. تهران: نشر علمی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ج ۵-۸.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ج ۱۰، ۱.
- العتا، فرید (۲۰۱۷م). الشبکات الدلالية فی القرآن الکریم: دراسه نظریه تطبیقیه. عمان: دار الفتح للدراسات والنشر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). کتاب العین. تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. قم: دارالهجره، ج ۲-۱.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر. قم: دارالهجره.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳ق). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دارالفکر، ج ۱.
- کروفت، ویلیام؛ کروز، دی. آلن (۱۳۸۶). معناشناسی شناختی. ترجمه رضا امینی. تهران: انتشارات سمت.



لیونز، جان (۱۳۸۶). *درآمدی بر معناشناسی زبان*. ترجمه: مریم وشمگیر و نسرين حیدری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۹۸). *فرهنگ‌نامه تحلیل واژگان مشابه در قرآن*. قم: بوستان کتاب.

مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ج ۱۲، ۴.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۵ق). *التفسیر البسیط*. تحقیق: محمدحسین علی صغیر. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱.

واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۸۸). *المعجم فی فقه لغه القرآن و سر بلاغته*. مشهد: آستان قدس رضوی.

یوسف، محمدعلی محمد (۲۰۱۹م). *الدلاله الشبکیه لمفردات القرآن الکریم: دراسه فی المنهج*. قاهره: دار السلام للطباعه والنشر.